

گزارشی از

عقاید النساء

محمدعلی سلطانی

مؤلف کلثوم ننه

۱. که به خط نستعلیق می باشد و در سال (۱۲۶۳ق) پس از ۱۳۸ سال از درگذشت مؤلف چاپ شده است، کتاب به طور قطع به

کتاب کلثوم ننه یا «عقاید النساء»^۱ از جمله کتب مشهور و پرآوازه در ادبیات عامیانه ایران می باشد که دست کم شش^۲ بار تاکنون نشر یافته است. علی رغم شهرت کتاب نویسنده آن به طور قطع مشخص نیست. پاره ای از نویسندگان آن را از آثار آقا جمال الدین محمد بن حسین بن محمد خوانساری مشهور به آقا جمال خوانساری^۳ محدث، اصولی، حکیم، متکلم و فقیه مورد اقبال عامه عصر صفوی می دانند که افزون بر فضایل علمی و اقبال مردمی از روحیه ای شاد، بذله گو و نکته سنج برخوردار بود. شیخ آغا بزرگ درباره این کتاب می نویسد:

۱. از این کتاب چندین نسخه خطی در کتابخانه های جهان وجود دارد: یک نسخه ای از آن در کتابخانه گنج دانش پاکستان وجود دارد که مشخصات آن به شرح زیر است: خط نستعلیق خوش، عبدالله، که حسب فرمان شاهزاده نصرالله خان در تاریخ یکشنبه ۱۷ ذیقعده ۱۳۰۷ (ق. هـ) نوشته شده است. شانزده باب و یک خاتمه دارد، ۴۱ صفحه و عنوان و نشان شنگرف.

آقای احمد منزوی در جلد دوم نسخه های خطی کتابخانه گنج دانش، ذیل نسخه شماره ۱۲۳۶، این نسخه را دارای یک مقدمه و نوزده باب و یک خاتمه معرفی می کند؛ ولی در هنگام یادکرد از عناوین باب ها تنها از شانزده باب و یک خاتمه یاد می کند و باب های شش، هفده و هیجده را نمی آورد.

کلثوم ننه یکی از چهار فقیه خیالی است که به خاطر جلالت و بزرگی او کتاب به نامش نامگذاری شده است. کتابی شریف و رمانی انتقادی، لطیف و خنده آور می باشد. در این کتاب پایه مذاهب چهارگانه و بی پایگی پاره ای از نظریه های متداول بین مردم تشریح شده است. و بسیاری از بدعت هایی را که نابه جا به دین نسبت داده می شود بیان داشته است. این کتاب از آن آقا جمال الدین فرزند آقا حسین خوانساری (در گذشته ۱۲۵ق) است و چاپ شده است.^۴

دو نسخه ای دیگر از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است (فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۱۲/ ۲۸۰۴، شماره ۲۸۲۵). مشخصات نسخه به شرح زیر است:

شکسته نستعلیق، سده ۱۲، عنوان شنگرف، جدول زر و لاجورد. ۱۳س × ۸، ۱۴، ۱۹ برگ ۱۲ × ۸۴، کاغذ فرنگی، جلد مقوا.

آقای منزوی در معرفی این نسخه همان عبارت های نسخه کتابخانه گنج دانش را می آورد؛ با این تفاوت که در این نسخه نام همه باب های نوزده گانه و خاتمه آن را می آورد. باب ششم که در معرفی نسخه گنج دانش افتاده بود، در این نسخه با عنوان «در بیان زاییدن زانو» آمده است و باب هفدهم درباره «اوقات صیغه خواندن خواهرخواندگی» و باب هجدهم «در خواهرخواندگی بی دیدن یکدیگر» می باشد. آقای منزوی در پایان معرفی این نسخه می افزاید که در چاپ سنگی تهران در مطبعه علمی، شانزده باب و یک مقدمه است. آغاز نسخه دانشگاه تهران افتادگی دارد و پتین شروع می شود: ... باشند یا شوهر را امین نداند که مبادا چون زن به حمام [برود]...

وی در ذیل عنوان «عقاید النساء» از دو کتاب به همین نام یاد می کند و توضیح ویژه ای ارائه نمی دهد. یکی از این دو را از آثار میرزا اشرف، و دیگری را از آثار آقا حسین خوانساری می داند، و وعده طرح آن در ذیل عنوان کلثوم ننه را می دهد. پیداست که انتساب آن به آقا حسین خوانساری در آنچه که بعداً درباره «کلثوم ننه» آورده است، ناهماهنگ می باشد. در آغاز چاپ سنگی آن

سه نسخه کتابخانه سپهسالار که تحت شماره ۲۹۱۳ به شرح زیر معرفی

روش بحث متداول بین فقیهان است که معمولاً در هر موضوعی آرای گوناگون را گاه با نقد آرا و زمانی بدون نقد آن می‌آورند. از سوی دیگر مؤلف محتوای کتاب را در همه موارد آداب و مراسم وحی شده از شیطان فرض نکرده است و حتی در بعضی از چاپ‌ها نامی از شیطان برده نشده است؛ بلکه مجموعه‌ای از آرای خرافی موجود بین زنان است. همچنین جای دادن کتاب در حوزه هنریات شاید چندان مناسب نباشد. مؤلف در مقام هزل گویی نبوده است، بلکه گزارشی از باورهای موجود بین مردم زمانه خود را تقریر کرده است؛ گرچه محتوای آن امروزه برای بسیاری از خوانندگان و برای افراد تیزبینی چون آقا جمال خوانساری در عصر خود هزل بنماید. به هر روی کتاب بازگوکننده عقاید و باورهای موجود جامعه آن روز است و با هزل که به قصد مطایبه و تفریح خاطر^۸ نگاشته می‌شود، بسیار متفاوت است. به نظر می‌رسد در این باره دیدگاه مرحوم جلال‌الدین همایی و صادق هدایت به واقع نزدیک‌تر باشد. آقای همایی می‌نویسد:

از جمله مؤلفاتی که بالنسبه مشتمل بر روح انتقادی

آقا جمال نسبت داده شده است، و با این عبارت آغاز می‌شود: کتاب کلثوم ننه من تألیفات آقا جمال خوانساری رحمه الله.^۵ مرحوم میرزا محمد باقر خوانساری مؤلف روضات الجنات از انتساب آن به حاج آقا حسین خوانساری و به پسرش جمال‌الدین خوانساری یاد می‌کند و در پایان سخنش انتساب آن را به آقا جمال خوانساری - با توجه به طبع ظریف و لطیف وی - تقویت می‌کند. وی می‌نویسد:

ومما قد ينسب اليه ام الی ولده الآقا جمال‌الدین کتاب الهزل الفارسی المعروف به «کلثوم ننه» المكتوب علی حدو خلافیات الفقهاء فی جملة من مراسم الأقامة والنسوان علی حسب ما فرض استنباطه لأربع من قدماء علمائهن من تراجمة وحی الشيطان ولم یبعد ذلك ایضاً وخصوصاً من لطائف طبع ولده المشهور هذا؛ یعنی: از چیزهایی که به آقا حسین خوانساری یا به پسرش آقا جمال نسبت داده می‌شود، کتاب هزل معروف به ننه کلثوم است که به شیوه اختلافات فقیهان درباره مراسم اوباش و زنان بر پایه استنباط چهار تن از زنان کهنسال از وحی شیطانی نوشته شده است و این انتساب بعید نیست؛ به خصوص از لطیف طبعی مشهور فرزندش آقا جمال خوانساری.^۶

دکتر محمد معین درباره کتاب کلثوم ننه می‌نویسد:

کتابی است به فارسی در هزل و موضوع آن مقابله اختلافات فقه‌هاست و از جمله از رسوم و آداب اوباش و زنان بحث می‌کند. مؤلف فرض کرده است که این مراسم و آداب وحی شیطان است. بعید نیست این کتاب هزل، که تألیف آن را به آقا حسین خوانساری نسبت می‌دهند از لطایف طبع پسرش آقا جمال‌الدین باشد. آقا حسین از دانشمندان علوم دینی و ادبی بود و از جمله شاگردانش میر داماد است.^۷

به نظر می‌رسد نظریه آقای دکتر محمد معین در تعیین موضوع کتاب که آن را اختلافات فقه‌ها دانسته و نیز فرضی را که به مؤلف نسبت داده است، چندان مقرون به دقت نباشد. موضوع کتاب، اختلافات فقه‌ها نیست؛ بلکه روش بحث به

شده است (فهرست کتابخانه سپهسالار ۵/۴۴۲): ش ۱۳ دفتر، ۲۷۰ صفحه که همان یک صفحه آغاز کتاب است، و پس از آن تا ۸۲ صفحه سفید می‌باشد. سپس رساله این است در «لطایف درباره زنان» به زبان عربی.

۲. خانبابا مشار در فهرست کتاب‌های چاپی فارسی (۴/۴۱۰۰) سه چاپ آن را به شرح زیر معرفی کرده است:

چاپ سنگی، خشتی ۲۲ صفحه؛ چاپ اصفهان ۱۳۵۲ هـ. ق، سنگی، جیبی، ۳۱ ص؛ چاپ ایران، ۱۳۱۰، سنگی، جیبی، ۳۱ ص.

افزون بر این سه چاپ، یک چاپ سنگی در تاریخ ۱۲۶۳ در ۲۸ صفحه انجام گرفته است. چاپ سنگی دیگری در مشهد از آن به عمل آمده است. چاپ حرفی با طرح‌هایی از بیژن اسدی پور از سوی انتشارات مروارید در سال ۱۳۵۶ در تهران نشر یافته است که متن آن با نسخه‌های دیگر اختلاف فاحش دارد و چاپی مصحح توسط محمود کتیرایی در سال ۱۳۴۹ نشر یافت.

۳. شرح حال آقا جمال را می‌توانید در منبع زیر بخوانید: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد سوم، ذیل آقا جمال خوانساری.

۴. اللریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۱۲.

۵. همان، ج ۱۵، ص ۲۸۶.

۶. روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۷۵، میرزا محمد باقر خوانساری، قم، مکتبه اسماعیلیان، چاپ اول.

۷. فرهنگ معین، بخش اعلام.

۸. راحة الصلور، ص ۶۳، راوندی، به کوشش محمد لاهوری. «و آخر ختم بر مضاحکی چند و هنریات کنم تا متصفحان این کتاب بدان تفریحی کنند».

ناقص از گفتار مرحوم میرزا محمد باقر خوانساری صاحب
روضات الجنات گرفته است.

و همان اشتباهات موجود در گزارش روضات الجنات را
آقای دکتر معین نیز تکرار کردند با این تفاوت که در روضات
الجنات تأکید شده است کتاب بر روش خلافتیات فقیهان نوشته
شده است و این سخن کاملاً درست است. لکن مؤلف روضات
الجنات سه نکته را صحیح گزارش نکرده است نخست آن که
فقیهان کتاب کلثوم ننه پنج نفر هستند و نه چهار نفر و همین
اشتباه به دیگر نوشته ها نیز راه یافته است و دو دیگر آن که فرض
تفسیر وحی شیطان را مؤلف کتاب کلثوم ننه در همه موارد یادآور
نشده است و سه دیگر آن که کتاب درباره خلافتیات زنان خرافی
می باشد و ربطی به باورهای اوباش و اجامره ندارد و این اشتباه
گویا از همین منبع به فرهنگ معین راه یافته است.

آقای علی اکبر دهخدا کتاب ننه کلثوم را ضمن آن که در نقد
خرافات می شمارد، آن را فکاهی نیز می داند و می نویسد:

کلثوم ننه در کتابی به همین نام تألیف آقا باقر خوانساری
که فکاهی و در نقد خرافات است. کلثوم ننه بابی بی شاه
زینب و دده بزم آرا و باجی یاسمن مثل اعلای معتقدان به
اوهام و خرافات زنانه اند. ۱۲

کلام دهخدا درباره مؤلف کتاب به حتم سهو القلم می باشد؛
چنان که یادکرد از چهار نفر به عنوان مثل اعلای معتقدان به اوهام
و خرافات زنانه در کتاب کلثوم ننه درست نیست و فرد پنجم که
«خاله جان آغا» باشد از قلم افتاده است.

تا زمانی که از انتساب کتاب به غیر از آقا جمال خوانساری،
سخنی در گزارش های مورخان نیست، نمی توان انتساب قطعی
آن را به آقا جمال سرود دانست؛ به ویژه آنکه برای تردیدهای
نقل شده در خصوص این انتساب توجیه های اخلاقی می توان
تصور کرد. زیرا محتوای کتاب به گونه ای است که نگارش آن از
دید مورخان و شرح حال نویسان برای فقیهانی چون آقا
جمال الدین خوانساری دون شأن است؛ اما نوع نگارش کتاب و

است کتاب موش و گربه عبید زاکانی و کلثوم ننه آقا
جمال خوانساری را باید شناخت. اولی زهد ریایی و
صید عوام و دومی حرف های زنانه و مسلک نسوان را
در حقیقت نقد کرده است.^۹

صادق هدایت هم چنین نظری دارد:

تنها کتابی که می شود گفت راجع به آداب و رسوم عوام
نوشته شده همان کتاب معروف کلثوم ننه تألیف آقا جمال
خوانساری است که به زبان های خارجه هم ترجمه
شده^{۱۰} و فارسی آن در دسترس همه می باشد؛ اگرچه
بعضی از مطالب آن اغراق آمیز به نظر می آید، زیرا نباید
فراموش کرد که بیشتر این عادات و خرافات امروزه
منسوخ شده و از بین رفته است و چیزی که قابل توجه
است حتی پسرزن ها هم آن را با نظر تمسخر تلقی
می کنند.

... امروزه در همه ممالک متمدن دسته ای از دانشمندان
خرافات همه ملل دنیا را از ممالک متمدن گرفته تا قبایل
وحشی آفریقا و استرالیا جمع آوری کرده اند و تشکیل
صدها کتاب را می دهد. چنان که پس از مقایسه و تطبیق
آن ها با یکدیگر یک رشته علم تازه به وجود آمده که دانش
عوام یا «فلکلر» می نامند که در اغلب علوم مخصوصاً
روانشناسی و تجزیه روح و تاریخ تمدن و تاریخ مذاهب
و غیره طرف توجه علما می باشد؛ ولی جای تعجب
است که تاکنون آداب، رسوم و اعتقادات عوام ایران
جداگانه جمع آوری نشده بود، به استثنای مختصری در
کلثوم ننه و آنچه دیده می شود عبارت از بعضی خرافات
است که مسافران اروپایی دروغ یا راست در کتاب های
خودشان ضبط کرده اند.^{۱۱}

محتوای کتاب کلثوم ننه یا عقاید النساء با دیدگاه جلال
همایی و صادق هدایت همخوانی بیشتری دارد و در واقع نقد غیر
مستقیم حرف های زنانه و مسلک بانوان و به طور مستقیم
گردآوری و پژوهش در دانش عوام یا همان «فلکلر» می باشد.
ارزش و اهمیت کتاب هم از این زاویه است، نه هزل یا مطایبه ای
که به نظر دکتر معین رسیده بود.

گویا دکتر معین نظریه خود را درباره کتاب کلثوم ننه بطور

۹. تاریخ امپراتور ایران، ص ۳۵، جلال الدین همایی، انتشارات کتابفروشی
فروغی، چاپ سوم.

۱۰. ترجمه کتاب عقاید النساء یا کلثوم ننه به انگلیسی در سال ۱۸۳۲ میلادی
در لندن توسط ج. اتکینسون J. Atkinson. نشر یافت و در سال ۱۸۸۱
در پاریس به زبان فرانسه به همت J. Thonnellier. ترجمه و چاپ شده و
ترجمه ترکی آن در تبریز توسط زینب پاشا نشر شد.

۱۱. نیرنگستان، مقدمه ص ۲۶، چاپ امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۲،
صادق هدایت.

۱۲. لغت نامه دهخدا، ذیل کلثوم ننه.

نگاهی به کتاب کلثوم ننه

کتاب کلثوم ننه با عقاید النساء از جمله کتاب های ارزشمند و قابل توجه است و قطع نظر از صحت و عدم صحت انتساب آن به آقا جمال خوانساری از نظر مطالعات جامعه شناختی تاریخی حائز اهمیت فراوان می باشد، و برای پژوهش درباره جامعه بسته زنان عصر صفوی منبع مفیدی است. ارزش های مورد تأکید آنان، دغدغه ها و نگرانی های خانوادگی، دلواپسی ها و مشغله های ذهنی آنان، برداشت های دینی، تلقی آنان از طبقات جامعه و ده ها موضوع قابل مطالعه را می توان در کتاب کلثوم ننه جست:

در آغاز بحث مؤلف تأکید می کند که ملاک اعتبار و ارزش از دید بانوان عصر خود، کهنسالی و خرفتی افراد است و جوان ترها باید آداب زندگی خود را از آنان بیاموزند:

بدان که هر زنی که سنی داشته باشد و پیری و خرافت او را دریافته باشد، دیگران به افعال او وثوق تمام دارند و هر زنی که خلاف فرموده ایشان کند آثم و گنهگار می باشد. ۱۶

بلای اعتماد بدون چون و چرا به گفتار کهنسالان و منع اخلاقی اندیشیدن از چند و چون در گفتار آنان هنوز هم در جامعه وجود دارد و حتی اختصاص به جامعه بانوان ندارد. در هم آمیختگی دو مقوله حرمت گذاری به پیران و کهنسالان و قبول آرا و افکار آنان همواره موجب پیش گیری از رشد اندیشه بوده است. علی رغم آنکه در دوران پیری و فرتوتی قدرت تفکر و خلاقیت اندیشه انسانی رو به افول می گذارد، در جوامع شرقی دیدگاه این قبیل افراد سندیت پیدا می کند و تفکر و اندیشه

۱۳. روضات الجنات، ج ۲، ص ۳۷۵.

۱۴. درباره گسترش خرافه روزگار صفویه می توان به مرجع زیر نگاه کرد: سفرنامه شاردن جلد چهارم.

۱۵. عباس اقبال آشتیانی در کتاب تاریخ مفصل ایران، ص ۶۹۹، درباره شاه سلیمان [صفی میرزا] و تربیت زنانه وی می نویسد:

«صفی میرزا که عمر خود را در حرمسرا با زنان و خواجه سرایان گذرانده و بدون تربیت و تحصیل به اخلاق زنانه بار آمده بود، یکی از بدترین سلاطین صفوی است؛ چه هم بسیار ضعیف النفس و عیاش بود و هم مصاحبت با زنان و خواجه سرایان و استشاره ایشان را بر اداره امور ملکی و شنیدن رجال کارآگاه ترجیح می نهاد».

محمد هاشم آصف در کتاب رستم التواریخ ص ۱۰۶ به بعد، گزارش مفصلی از خوی زنانه و شیوه رفتار ابلهانه این پادشاه نقل می کند که مایه شرمساری است.

۱۶. عقاید النساء، مقدمه. با توجه به در دسترس نبودن چاپ خاصی از کتاب و کوتاه بودن باب ها آدرس نقل قول ها را بر اساس باب بندی کتاب ذکر خواهیم کرد.

به ویژه اصطلاحات به کار گرفته در آن، حکایت از آن دارد که نویسنده بر اصطلاحات رایج بین کتب فقها تسلط کامل داشته است. اگر این احتمال را درست بدانیم تصور «دون شأن» تا حدودی مرتفع می شود. در این صورت در برابر اشتهار انتساب کتاب به آقا جمال خوانساری باید دلیل های قوی و مستندی وجود داشته باشد که چنین انتسابی را نفی کند. اگر بر این توضیح چند نکته دیگر افزوده شود، احتمال نگارش کتاب توسط آقا جمال خوانساری تقویت خواهد گشت: نخست آن که آقا جمال فقیهی مردمی و بسیار پررفت و آمد با توده مردم بود. از آرا و عقاید جاری میان مردم اطلاع داشت و نسبت به وجود خرافه و عادت های بی پایه در بین مردم آگاه بود. در این معاشرت ها خود را در چهارچوب تشریفات و تعارفات متداول اسیر نمی کرد و با خواص و عوام به ظرافت گویی و مزاح می پرداخت. صاحب روضات الجنات می نویسد:

ویروی من لطائف طبعه المقدس ایضاً شیء کثیر بالنسبة الی الخواص والعوام بحیث لایتملها امثال هذه العجالة فلیراجع المحاولة آیاها الی کتب التواریخ الفارسیه الی کتبت فی ذلک الزمان؛ یعنی: از لطائف پاک وی چیزهای فراوانی نسبت به خواص و عوام نقل می شود که در این فرصت جای نقل آنها نیست و علاقه مندان می توانند به کتاب های تاریخی به زبان فارسی که در آن روزگار نگاشته شده مراجعه کنند. ۱۳

دو دیگر آنکه آقا جمال خوانساری در روزگاری می زیست که خرافه و خرافه گرایی گسترش فراوان داشت. ۱۴ پادشاه وقت - همچون پدرش شاه سلیمان - تا روز تاجگذاری در حرمسرا و در بین زنان بود، نه در جمع سیاستمداران و گردانندگان کشور. تربیت زنانه پادشاه و سلطه فراوان حرمسرا در امور کشورداری، زمینه گسترش عقاید بانوان را مساعد کرده بود. ۱۵ نگارش کتابی که بیانگر عقاید خرافی رایج بانوان باشد، نه تنها از شأن یک فقیه آگاه نمی گاهد که بیانگر تیزهوشی و مبارزه وی علیه خرافه و در نهایت سیاست فرهنگی وقت از طریق استهزای آن است.

می تواند گویای سخت گیری آنان در محیط خانه و تحدید بسیار در روابط زن با خویشان اش باشد. شاید محیط ناسالم آن روز و به ویژه وفور می گساران هرزه گرد و روسپیان مالیات ده، مردان خانواده دار را به حدی دلوایس نامنی می کرد که کنترل بیش از حد و تحدید زیاد آنان را راهی برای سالم ماندن خانواده خود تلقی می کردند. تلاش حاکمان صفویه برای ارائه چهره مذهبی از خود از طریق فرامین ویژه برای رفت و آمد زنان، از قبیل مخالفت از خروج بدون اذن شوهر، ممنوع بودن مشارکت زنان در نمایش های میدانی، به این بدبینی ها دامن می زدند.

ب) دغدغه ازدواج

از جمله دغدغه های زنان و دختران در عصر کلثوم ننه، موضوع ازدواج و به بخت رفتن آنان است. این دغدغه در بسیاری از باورهای کلثوم ننه خود را نشان می دهد: از قبیل روزه مرتضی علی، رفتن به بالای مناره برنجی و شکستن گردو، ابریشم سبزه به سوزن کردن و در لباس عروس دوختن و ده ها اعمال و رفتار دیگر.

اعمال ویژه مناره برنجی را که مؤلف کتاب کلثوم ننه به عنوان یکی از باورهای زنان آن روز اصفهان برای یافتن شوهر نقل کرده است، شاردن سیاح فرانسوی نیز در سفرنامه خود با تفصیل کامل آورده است. همگونی این دو گزارش افزون بر آن که نگارش کتاب کلثوم ننه را در عصر صفوی تأیید می کند، تسلط مؤلف آن به عقاید جاری بین زنان را نیز می رساند. شاردن درباره این مناره و چگونگی توسل زنان عصر صفوی را چنین گزارش کرده است:

«مناره این مسجد [مسجد محله سید احمدیان] مناره ته برنجی نام دارد زیرا پایین آن را از صفحات برنجی پوشانده اند. زنان تازه شوی کرده و زنان سترون به این مسجد اعتقاد زیاد دارند و در این جا مراسمی کاملاً خرافی و موهوم و خنده آور به جا می آورند.

۱۷. شاردن در سفرنامه خود «جلد اول، ص ۴۲۹ و جلد چهارم، ص ۱۴۷۲، ترجمه اقبال یغمایی، انتشارات طوس» از وجود چهارده هزار روسی ثبت نام شده را در اصفهان خبر می دهد که به پادشاه وقت مالیات می پرداختند.

۱۸. شاه عباس صفوی برای حلیت مالیات های به دست آمده از محل های بدنام و انواع اعمال خلاف شرع که از آن ها مالیات های هنگفتی به دست می آورد راهی شرعی تراشیده بود. وی دستور داده بود این پول ها صرف خرید روغن چراغ و نظایر آن شود، تا از طریق سوختن حلال گردد و منفعت محله داشته باشد. سفرنامه ساتون، ص ۱۳۶، به نقل از کیهان اندیشه، شماره ۸۲، مقاله امر به معروف و نهی از منکر در دوره صفوی.

جوان ترها و حتی کامل مردها در برابر آن محکوم به بطلان و بی اعتباری می شود.

در دیدگاه دینی حرمت گذاری کهنسالان یک نگرش اخلاقی-عاطفی است و هرگز به مفهوم اعتبار بخشی به آرای آنان در برابر نواندیشی جوانان نیست. توجه پیامبر اکرم به جوان ترها و سیاست عملی وی در سپردن مدیریت ها به جوانان و اعتنا به آرای آنان به گونه ای مبارزه با سیستم شیخوخیت جاهلی عربستان بود. سیاستی که پیش از جافتادن، در سقیفه بنی ساعده در برابر سیستم جاهل شیخوخیت شکست خورد.

کلثوم ننه و دغدغه های زنان

الف) دلوایسی از شوهران

کتاب کلثوم ننه دغدغه و دلوایسی همیشگی زنان و بی اعتمادی آنان به شوهرانشان را بیان می کند و فقدان روابط سالم خانوادگی و وجود اختلاف بین زن و شوهر در جامعه آن روز را که مسأله ای جدی بود، گزارش می کند. گزارش مورخان از شیوع روابط جنسی خارج از سیستم زناشویی در عصر صفوی به خوبی دلیل بی اعتمادی و دغدغه زنان شوهردار را بیان می کند. ۱۷ ایجاد قوانین جزایی سخت، جستجو برای یافتن محمل شرعی برای حلیت درآمد های نامشروع از روابط جنسی و غیره، ۱۸ صدور اعلانیه های شداد و غلاظ و ده ها شاهد و سند دیگر که همه بیان گر فساد گسترده و روابط نامشروع خارج از برنامه زناشویی است، می تواند ترس و واهمه زنان شوهردار را توجیه کند و زمینه لازم برای پیدایش باورهای خرافی و اعتقادات دینی ساختگی- از قبیل آنچه که از کتاب کلثوم ننه آورده شد- را به وجود آورد.

گزارش های کتاب کلثوم ننه در خصوص روابط خانوادگی بیان گر نوعی سخت گیری از سوی مردان نسبت به زنان است. گسترش باورهایی از قبیل سقوط غسل در مواردی که مرد اجرت حمام زن را نپردازد و یا برای وی «فوطه» نو نخریده باشد، می تواند نمایی از سخت گیری های اقتصادی مردان نسبت به زنان باشد و سقوط و وجوب نماز در زمانی که زن در حمام فرصتی برای شکایت از شوهر خویش نزد خویشان خود پیدا کند

فروختن گریزند فعل حرامی کرده خواهند بود و دده بزم آرا گفته از آن که بزازی می کند بگریزند مکروه است و این قول نزد علما خالی از ضعف نیست و کلثوم ننه گفته که از کهنه چی نیز نباید گریخت و بعضی از علما کاهو فروش و دلاله و سنگ فروش [منظور سنگ پافروش] را داخل کرده اند و نزد فقیر صحیح نیست.

از این گزارش به خوبی پیداست که مردم دو نوع زندگی کاملاً متفاوتی داشتند: زندگی عادی و روزمره که در آن اختلاط با توده مردم حرام تلقی نمی شد. در این زندگی ظواهر شرع رعایت نمی گشت و مردم بسیار خودمانی بودند. نوع دیگر زندگی بود که افراد جامعه با متولیان دین داشتند؛ در این زندگی دستورات شرعی لازم الاجرا بود و کسی از انجام آن سر باز نمی زد.

شرایطی از این دست گرچه ممکن است در آغاز دوزیستی مبتنی بر ترس و یا رودربایستی باشد، ولی پس از گذر زمان تبدیل به نوعی باور می گردد و اگر در بین طبقاتی بسته از قبیل زنان عصر صفوی اتفاق افتاده باشد، شکل باورهای دینی پیدا می کند. گزارش مؤلف کتاب ننه کلثوم به طور کامل بیانگر وجود چنان شرایط زندگی در عصر صفوی است.

خرافه گویی

در کتاب کلثوم ننه گزارش بسیاری از خرافات و باورهای عوامانه آمده است. زنان عصر صفوی در بسیاری از اعمال و رفتارهای روزانه خود تحت تأثیر خرافه و باورهای خرافی بودند. اعتقاد به وجود آل و تأثیر آن در زندگی زانو و چگونگی دفع آن، تأثیر تعویذات و چگونگی پیش گیری از چشم زخم، زمان ورود و خروج مهمان، آداب دعا کردن، مفاهیم و معانی موجود در هدایا و ده ها مورد دیگر از جمله باورهای خرافی عصر صفوی است که کتاب کلثوم ننه آن را گزارش کرده است. مطالعه و بررسی کتاب کلثوم ننه و تطبیق آن با گزارش ها و اسناد تاریخی آن عصر، جهت شناسایی زندگی توده مردم برای پژوهشگران بسیار مغتنم است و باید این کتاب که سال های سال به خاطر موضوع آن از سوی محققان مورد بی مهری قرار گرفته است، بار دیگر مورد توجه قرار گیرد و تحقیق شایسته بر روی آن انجام گیرد.

بدین سان که بستگان زن عقیم پس از این که چادرش را بر سرش افکندند افسار اسبی را به سرش می بندند و به مسجد می آورند در دستس زن یک جاروی نو و یک ظرف سفالین نو پر از گردوست زن را بدین صورت بر فراز مناره ته برنجی می برند او به هنگام بالا رفتن باید روی هر پله یک گردو بشکند مغزش را در ظرف سفالین و پوستش را روی همان پله بریزد و در وقت پایین آمدن از فراز مناره یکایک پله ها را جارو کند و پس از این که فرود آمد جارو و ظرف را به محراب مسجد می برد. مغز گردو ها را با کشمش مخلوط می کند و در گوشه چادر خویش جامی دهد و به سوی خانه روان می شود در راه به مردانی که می رسد و از آنها خوشش می آید از آن گردو و کشمش تعارف و خواهش می کند که آن را بخورد زنان سترون بر این باورند که اجرای این مراسم ... شفا بخش نازایی است.^{۱۹}

رواج مذهب روینایی

پادشاهان صفوی برای جلب نظر مردم و استحکام پایه های حکومت خود تلاش می کردند ظواهر شرع را گسترش دهند. گرچه این تلاش ها در خیلی موارد با عملکرد فردی آنان هماهنگی نداشت، اما به مرور فرهنگی را پدید آورد که می توان از آن به نفاق دینی تعبیر کرد. بی بند و باری های به دور از چشم ناظران اجرای احکام شرعی، گسترش حیل و کلاه های شرعی، رفتارهایی از این دست را بسیاری از مورخان صفوی گزارش کرده اند. کتاب کلثوم ننه بازتاب این جو فکری را در رفتار و عقاید زنان عصر صفوی به خوبی نشان می دهد. وی در خصوص محرم و نامحرم ها می نویسد:

بدان که کسانی که نامحرمند مندیبل به سرند هر چند طفل باشد و کلثوم ننه گفته که اگر مندیبل به سر سواره باشد حرمتش بیشتر است و از این بدتر طالب العلماند [طالبان علم] هر چند کلاه به سر باشند که گریختن از ایشان واجب است و دده بزم آرا گفته که هر طالب علمی که فضلش بیشتر و خدا بهتر شناسد حرمتش بیشتر است. اما آنانی که محرمند نقاره چی و سبزی فروش و بلبلی فروش و لبو فروش و عدس فروش و زردک فروش و یهودی که در خانها کلاه کهنه و قبا کهنه می گوید [دوره گرد یهودی که لباس کهنه می خرد] و کلوبند فروش و عمله و کلاه به سر هر که باشد بغیر طالب علم که گریختن از ایشان واجب است و دده بزم آرا و باجی یاسمن را اعتقاد آن است که [اگر از] یهودی مذکوره در وقت زربفت

۱۹. سفرنامه شارمن، ج ۴، ص ۱۴۸۶.